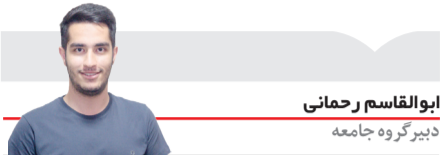


تکلیف به جای اختیار

چرا قانونی شدن حمایت از کودکان و نوجوانان مهم است؟



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

احتمالا حالا داغ‌ترین و نزدیک‌ترین جرقه در ذهن حول مساله حمایت از اطفال و نوجوانان برای بسیاری

۹ یک‌ساز و کار قدرتمند قانونی برای حمایت از اطفال و نوجوانان

خیلی قصد طولانی نویسی درباره این موضوع ندارم ولی به هر شکل مساله بسیار مهمی است و اگر هم قرار بر تحلیل و بررسی است، چه بهتر که افراد کارشناس و متخصص در این مورد اظهار نظر کنند. به همین منظور ابتدا با عالی کاظمی، قاضی دادگستری گفت‌وگویی انجام دادیم. او در ارتباط با این لایحه به «فرهیختگان» گفت: «من از آسیب‌شناسی قانون قبلی شروع می‌کنم. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱، قانون کوچکی که ۹ ماده‌ای در خصوص کودکان بزه‌دیده بود که عنوان آن بزرگ‌تر از محتوایش بود. سال ۱۳۸۳ به همراه تعدادی از دوستان شروع به تهیه لایحه جایگزین به جای این متن کردیم. تا سال ۸۵ طول کشید و به جلسه مسئولان قضایی و بعد هم به دولت و مجلس رفت. چند مساله را آنجا اضافه کردیم؛ یکی بحث‌های پیشگیرانه بود. در قانون سال ۱۳۸۱ نگاه پیشگیرانه به مسائل مربوط به کودکان نداشتیم اما در این لایحه این مسائل تا حدی مدنظر قرار گرفت و به سازوکارهایی همانند ایجاد کمیته حمایت از کودکان در قوه قضائیه نایب بود. کمیته حمایت از کودکان یک سازوکار خوبی است. در دادگستری قبلا اداره سرپرستی داشتیم که الان هم وجود دارد ولی صرفا مربوط به کودکانی بود که سرپرست نداشتند. به برخی کودکان توجهی نداشت و این داستان بیشتر جنبه حقوقی داشت تا جنبه کیفری این کمیته در زمان مرحوم آیت‌الله شاهرودی تحت عنوان حمایت از زنان و کودکان تشکیل شد، منتها این قانون از زنان جدا شد و وظایف خاص و اقتدار اجرایی پیدا کرد. قبلا جایگاه کمیته‌ها در دادگستری مشخص نبود و در برخی استان‌ها در مرکز استان تشکیل می‌شد که کارمندی مسئول آن بود ولی الان دادستان مسئول است. در همه شهرها که دادستان هست، چنین کمیته‌ای نیز ایجاد می‌شود که مسئولیت حمایت از کودکان را برعهده دارد. دادستان‌ها نسبت به این امر نقش جدی ایفا می‌کنند. یعنی آنها را در چند حوزه می‌بینیم؛ یکی حوزه‌ای است که از حقوق عامه به عنوان مدعی العموم دفاع می‌کند. دیگری حوزه‌ای است که به شکایات‌های مردم گوش می‌دهد و واسطه‌های بین مردم و دادگاه است. حوزه سوم نقش حمایتی دارد که تا کنون این نقش آن طور که لازم بود ظرفیت‌سازی قانونی نشده است. الان برای آن ظرفیت قانونی ایجاد شده و دادستان‌های محترم به اندازه حقوق عامه که به نیابت از ولی فقیه دارند در حوزه اطفال پیگیری، بنابراین الان سازوکار قانونی قدرتمندی داریم.»

۹ عبور از مواجعه اختیاری و مکلف‌شدن نهاد‌های مختلف در مساله حقوق کودکان

این قاضی دادگستری در ادامه و در تشریح این لایحه افزود: «نکته دوم شناسایی این افراد و کودکان و نوجوانان است که برای نهادها

۹ برای اولین بار با قانونی مواجعه هستیم که در ارتباط با کودکان به بحث پیشگیری ورود کرده است

بعد از کاظمی با مونیکانادی، حقوقدان و فعال حقوق کودکان هم گفت‌وگویی داشتیم که او در این رابطه به «فرهیختگان» گفت: «تصویب این لایحه سال‌های زیادی طول کشید و همیشه متأسف بودیم از اینکه برای یک تغییر که به آسیب‌های اجتماعی مربوط می‌شود، این مدت زمان بگذرد ولی از اینکه این قانون تصویب شد، خوشحال شدیم. دامنه پوشش این لایحه تمام کودکان و افراد زیر ۱۸ سال است که در ایران زندگی می‌کنند و در معرض خشونت قرار گرفته‌اند یا خطر این قرار دارند که در معرض خشونت باشند. یعنی لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان معطوف به مباحثی است که مربوط به خشونت و آزار کودکان می‌شود، همچنین کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر را در بر می‌گیرد. مهم‌ترین نقطه‌قوت این است که با یک آسیب اجتماعی سرکار داریم و آسیب‌های اجتماعی بیشتر از آنکه به قوانین قضایی احتیاج داشته باشند، به قوانین حمایتی نیاز دارند؛ قوانینی که سازوکارهای پیشگیرانه را ایجاد کنند. در این قانون تا حدود زیادی این اتفاق افتاده است. یعنی برای اولین بار می‌بینیم قانونی که مرتبط با کودکان است به بحث پیشگیری ورود کرده است. شناسایی کودک در معرض خطر از نوآوری‌های این قانون است؛ الزام مراجع قضایی که اگر با این کودکان مواجه شدند باید از آنها حمایت قانونی کافی و لازم را داشته باشند.»

۹ تعیین تکلیف برای نهادها و سازمان‌های مختلف در ارتباط با حقوق کودکان نکته قابل تاملی است

نادی در ادامه با اشاره به تعیین تکلیف سایر نهادها خصوصاً نهادهای دولتی در مواجهه با مسائل مربوط به حقوق کودکان نیز خاطر نشان کرد: «ایجاد وظایفی برای سازمان‌های دولتی، متولی و مسئول برای اینکه آنها در زمینه پیشگیری از وقوع خشونت علیه کودکان ورود کنند، از نکات قابل توجه و تامل این قانون است. اقداماتی که قانون سازمان‌ها را مکلف به آن کرده است، بیشتر متمرکز بر جنبه‌های پیشگیرانه است. تاجایی که می‌شود با این ابزارها جلوی خشونت علیه کودکان را بگیریم. اگر

از ما مجاری رومینا باشد؛ دختری که به فجیع‌ترین شکل ممکن قربانی خشم پدرش شد و فضای جامعه را برای مدتی طولانی ملتهب کرد. البته اگر بیش از اینها هم پیگیر ماجرای حقوق اطفال و نوجوانان باشیم، مجاری کودک‌همسری و مسائلی از این دست احتمالا شاخک‌های حمایتی ما را نسبت به حقوق کودکان

تکلیفی مشخص شده است. تکالیف تاکنون جنبه اختیاری داشت. یعنی برخی نهادها داوطلبانه کاری انجام می‌دادند و ما به کرات از جاهای مختلف شنیده بودیم که مثلا NGOها به فلان نهاد مسئول می‌گویند و مسئول می‌گوید به شما ربطی ندارد، این موضوع مربوط به ماست و اگر بخواهیم پیگیری می‌کنیم. بزرگ‌ترین نهاد مادر ارتباط با کودک آزاری اورژانس اجتماعی است که مبنای قانونی نداشت. مبنای آیین‌نامه‌ای داشت، اختیارات و اقتدارات قانونی نداشت. به موجب این آیین‌نامه این اختیارات ایجاد شده یعنی بعد از این باید از اختیارات و اقتدارات قانونی لازم استفاده کند و در بحث‌های پیشگیرانه وارد شود، علاوه بر اینکه تکلیف هم برای آن ایجاد شده است. ضمن اینکه اختیار داده شد، این تکلیف هم داده شده که اگر کسی در خصوص کودکی صحبت کرد، نگویید در اولویت من نیست یا به من ارتباطی ندارد، باید پیگیری کند و در مورد بقیه نهادها هم همین‌طور. آموزش پرورش نیز یکی از نهادهایی است که اکثر بچه‌ها در سن بحرانی خود با آن سروکار دارند. آموزش پرورش نقش اجتماعی دارد. این نقش اجتماعی باید پررنگ دیده شود. آموزش پرورش محل غربالگری اجتماعی کودکان است. ممکن است بچه‌ای در منزل وضعیت خطرناکی داشته باشد، آموزش پرورش می‌تواند مدار رصد در این خصوص باشد که کودک در چه وضعیتی به سر می‌برد. نهاد‌های مختلف دیگری هم در این زمینه مکلف شدند. بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نیز از جمله این نهادها هستند. بارها در جمع پزشکان شاهد بودم که گلابه‌می کردند کسی می‌آید که طفل آسیب‌دیده ناشی از کودک‌آزاری همراه دست ولی اگر گزارش دهیم با ما برخورد می‌شود، یعنی والدین تحت عنوان افزایش من شکایت می‌کنند. این جرائم معمولا در دادگستری اثبات نمی‌شوند، چون ادله اثباتی برای آنها کم بود. نکته دوم این بود که می‌گفتند گاهی والدین می‌دانند که ما ممکن است گزارش دهیم در نتیجه بچه را از مراکز درمانی می‌برند، قبل از اینکه دوره درمانی کودک تمام شود. هر کاری هم بخواهیم انجام دهیم، نمی‌شود چون با اختیار و اقتدار خود جلوی ما می‌ایستند. این دلسوزی‌ای است که پزشکان این حوزه داشتند. در این لایحه این امر لحاظ شد که باید دوره درمان تکمیل شود و اگر والدی قبل از پایان دوره درمانی کودک را از بیمارستان خارج کند، کودک آزاری مضاعف است. ضمن اینکه پزشک و هر نهادی که در این ارتباط تکلیف دارد باید جلوی قضیه را بگیرد.»

۹ در مواجهه با کودکان کار پرونده قضایی راهکار نیست و باید به سراغ پرونده‌های اجتماعی برویم

کاظمی در ادامه به بحث کودکان کار اشاره کرد و گفت: «در مورد کودکان کار نیز این وضعیت را شاهد هستیم. نیاز نیست شما کارگاه‌های پنهانی بگردید بلکه در خیابان‌ها نمایان است. این نیاز به کارهای اقتصادی و اجتماعی و هم کارهای حقوقی و قضایی دارد. ضمن اینکه باید به فکر این باشیم که وضعیت این کودکان به

حساس می‌کند. با این همه همواره اصلی‌ترین مطالبه و دغدغه‌ای که فعالان این حوزه برای احقاق حقوق کودکان و سروسامان دادن به آنها در ایران دنبال می‌کردند و خیلی‌بیش از ما پیگیر این مساله بودند، قانونی برای حمایت از آنها بود؛ قانونی که سال‌هاست پیش نویس و لایحه آن آماده و حتی در مجلس شورای

جهت معیشتی بهتر شود و نهادهایی همانند سازمان بهزیستی، کمیته امداد، سازمان تعاون و رفاه اجتماعی کار خود را در مورد این کودکان انجام دهند. همچنین وظیفه داریم با عناصری که از کودکان سوءاستفاده می‌کنند، برخورد شود. بارها حتی از زبان مسئولان شنیده‌ایم باند‌هایی هستند که از پس‌شان برنمی‌آییم. این توجیهی شده تا کودکان خیابان و کودکان متکدی در خیابان داشته باشیم. این روش نامناسبی است. بازرسی‌های کار مادر حوزه کودکان چقدر ثمربخش بوده است؟ چه مقدار پرونده قضایی برای کسی که متخلف بوده، تشکیل شده است؟ چقدر پرونده اجتماعی تشکیل شده است؟ اصولا از این بخش غافل می‌شویم. پرونده قضایی راهکار نیست، پرونده اجتماعی راهکار است. چقدر کودک را حمایت کردیم که کار نکند؟ چقدر کودک داشتیم که به خاطر کار کردن دچار مشکل شدند؟ اینها هر کدام داستان‌هایی دارند که سعی کردیم در لایحه لحاظ کنیم. مجلس هم همراهی کرد تا متن داخل لایحه بیاید و تکالیف نهادها مشخص شد. بنابراین این امر اولی این تکلیف است. در مورد کودکان کار زمانی آیین‌نامه گذاشتم که این آیین‌نامه باز جایگاه قانونی محکمی نداشت، ضمن اینکه اشکالات و ابهامات حقوقی جدی در دل خود داشت. عملا تکلیف قانونی نبود. یک آیین‌نامه مصوب بود که معمولا اهمت‌امی نسبت به آن وجود نداشت و شاید چند جلسه محدود در باره آن برگزار شد و کار خاصی هم برایش انجام نشد. الان این قانون است. سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند ورود کند، اگر نهادها کوتاهی کنند، قوه قضائیه و دادستان‌ها می‌توانند ورود کنند. ظرفیت خوبی ساخته شد.»

۹ نقش مهم بحث‌های حمایتی و خانواده‌محوری در این لایحه

این قاضی دادگستری به توجه این لایحه به خانواده و مباحث حمایتی اشاره کرد و گفت: «نکته دیگر بحث‌های حمایتی از کودکان است. در قانون سال ۸۱ هیچ بحث حمایتی‌ای نداشتیم. اینجا کلی راهکار حمایتی داریم. در مورد قتل رومینا در شمال سوالی که مطرح شد این بود که آیا قضایی می‌توانست این کودک را به جای دیگری بسپارد یا خیر؟ صرف نظر از اینکه تصمیم این قاضی درست بود یا خیر، دست آن قاضی بسته بود. نمی‌توانستیم نهادی را تکلیف کنیم که این کودک زنده بماند. الان طبق این قانون این راه‌های حمایتی باز است. قضایی می‌تواند اگر دید کودکی در شرایط خطرناک است او را در یک محیط امن نگهداری کند و اگر لازم شده به دادگاه‌های خانواده توصیه کند که این کودک وضعیت خطرناکی دارد و از این سرپرست باید جدا شود. این اختیار خوبی برای دادستان‌هاست تا از کودکان مملکت حمایت کنند. دادستان باید نقش پدیری برای کودکان ایفا کند، خصوصا در قبال بچه‌هایی که از داشتن خانواده خوب بی‌بهره هستند. بحث دیگری که ما در این لایحه داریم، خانواده‌محوری

اسلامی نیز تصویب شده بود، منتها هربار و همواره در رفت‌وآمدهای بین خانه ملت و شورای نگهبان گم می‌شد و انگار الزام و ایجابی در جهت تحقق و تأیید نهایی آن وجود نداشت. با این همه بالاخره بعد از کش‌وقوس‌های فراوان حدود یک هفته پیش لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان به تأیید شورای نگهبان

است، یعنی تلاش کردیم تا جایی که می‌شود سازوکارهای مارویکرد ارفاقی نسبت به خانواده باشد و راهکارهای اصلاحی در دل خانواده انجام شود. در این لایحه صراحتا بیان شده اولویت با اقداماتی است که شما خانواده‌ها را حفظ کنید، می‌دانیم که خانواده‌ها بهترین جابرای کودک است، البته خانواده خوب؛ بسیاری از خانواده‌ها بینابین هستند و اشراف کافی ندارند. خیلی کارها را جاهلانه نسبت به کودک انجام می‌دهند و چه‌سایه وقتی متوجه شوند کار آنها در قبال کودک اشتباه بوده به خودشان آسیب بزنند ولی از روی جهالت انجام می‌دهند. در این موارد راهکار این است که بچه را جدا کنیم یا به خانواده آگاهی‌رسانی کنیم؟ راهکار قطعاً این است که به خانواده آگاهی‌رسانی کنیم و والدین بی‌اطلاع را مطلع کنیم. اگر خشونت داخلی در خانواده است آن را کم کنیم. بنابراین نگاه این بود که سعی کنیم ضمن حفظ خانواده بچه را حمایت کنیم و این به‌نظم نگاه خوبی است. برخی قوانین در کشورهای دنیا صراحتا بچه را می‌بینند. مانند اسکندناوی که صرفا بچه را می‌بینند، نه خانواده را. گاهی با یک برخورد کوچک بچه را از خانواده جدا می‌کنند و این معضل است. هنگامی که در گزارش‌های بین‌المللی و در برخی برنامه‌های رسانه‌ای انتقاد می‌کنند به حدی محکم از کودکان حمایت می‌کنند که از آن طرف موضوع دچار مشکل می‌شوند و خانواده‌ها دچار ازم‌باشیدگی قانونی شده‌اند. در این لایحه‌را حل متعال در نظر گرفته شده که با توجه به فرهنگ و مسائل بومی ما راهکار خوبی است.»

۹ سهل‌انگاری والدین در ارتباط با خطراتی که کودک‌را تهدید می‌کند هم مورد توجه این لایحه است

کاظمی در ادامه افزود: «مساله دیگر جرائم و مجازات‌هاست. در حوزه‌هایی که جرم و مجازات لازم است قطعاً باید جرم‌انگاری شود. جرائم جدیدی در دنیا به وجود می‌آید که گاهی نسبت به آنها جرم‌انگاری در قانون نداریم، عقل اقتضا می‌کند حتما نسبت به آنها جرم‌انگاری شود. در این قانون برخی جرم‌انگاری‌ها جدید شده است. مثلا برای فردی که کودک را تشویق به خودکشی می‌کند، باید برایش مجازات در نظر گرفته شود. گفته شده اگر فوت تا پنج سال حبس دارد و اگر آسیب برسد این میزان است. برخی موارد بی‌توجهی و سهل‌انگاری است و گفته شده اگر سهل‌انگاری شود و نتایجی داشته باشد، جرم‌انگاری دارد. این یکی از مزیت‌های این لایحه است. قانون سال ۸۱ فقط به کودک آزاری توجه داشت نه به سهل‌انگاری. در این مساله بی‌توجهی و سهل‌انگاری را توسط مراقبان داریم. البته شورای نگهبان والدین را از این ماده استثنا کرده است ولی درباره سایر مراقبان اعم از پدر بزرگ‌رومی و معلم‌ان و مربیان مهدکودک این مساله وجود دارد. مثلا اگر مربی کوتاهی کرد و آسیبی به بچه رسید، باید در این زمینه پاسخگو باشد. در کنار این مساله عدم توجه به بحث‌های آموزشی کودک وجود دارد، موضوعی که در قوانین قبلی داشتیم

وظایفی که برعهده سازمان‌ها قرار داده شده و تاسیس دفتر حمایت از کودکان و جوانان مسائل مهمی است که تا اجرایی شدن آن فاصله داریم و امیدواریم الان که این قانون را داریم اجرایی شدن آن پیش برود تا جایی که بتوانیم بحث پیشگیری قانون را بیشتر اعمال کنیم که هرچه از بعد پیشگیرانه این قانون استفاده کنیم، کمتر مجبور می‌شویم سراغ جرائم و مجازات‌ها برویم و کم‌کم می‌توانیم امیدوار باشیم در درآمدت فرهنگ جامعه ما هم به سمت نگاه جامع این قانون برود و والدین کم‌کم از نگاه مالکیتی که به بچه‌ها دارند، دست بردارند. مثلا این قانون سهل‌انگاری والدین را جرم‌انگاری کرده‌است. این‌ها از نکاتی است که از آن نگاه فرهنگی غالب جامعه که نگاه مالکیتی به کودکان است، دور می‌شود و می‌گوید وظیفه دارید از بچه نگهداری کنید و اگر سهل‌انگاری کنید و این سهل‌انگاری به بچه آسیب بزند، مسئول هستید. امیدوارم به مرور زمان بتوانیم به اهداف این قانون دست یابیم و شاهد تأثیرگذاری گسترده آن باشیم.»

عکس، ویدئو سراسری فرهنگستان

